

بررسی ابعاد مختلف و اصول و ساختار الگوی قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC)

محمود نصیری^۱

حسین کاکائی مأوائی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

چکیده

قراردادهای جدید نفتی از مهم‌ترین مسائلی است که در کشور ما چالش‌های زیادی را ایجاد نموده و دارای اهداف و اصول مشخصی می‌باشد. با توجه به تغییرات گسترده ایجاد شده در خلال سالهای گذشته در حوزه‌های مختلف اکتشاف، توسعه، تولید، عرضه و تقاضای نفت و گاز در بازارهای بین‌المللی انرژی، ضرورت بازنگری در نوع قراردادهای نفتی مورد تاکید عموم صاحب‌نظران عرصه نفت و گاز بوده است. از اصول و ساختار این الگوی قراردادی می‌توان نتیجه گرفت صنعت نفت ایران همچنان علاقمند به حفظ چارچوب‌های قراردادی خانواده قراردادهای خدمت در بخش بالادستی است، زیرا قراردادهای بیع متقابل و الگوی جدید قرارداد نفتی ایران هر دو از نوع قراردادهای خدمت توأم با ریسک بشمار می‌روند. این مطالعه نشان می‌دهد مهم‌تر از خود قرارداد IPC، پروژه‌های هدف این قراردادها هستند که باید توسط وزارت نفت تعیین شود. پژوهش حاضر بیان می‌کند که IPC مدل جدیدی از قراردادهای نفتی است که می‌تواند منافعی را نصیب کشور کند. همچنین این قراردادها علاوه بر رفع کاستیهای قراردادهای کنونی و گذشته نفتی ایران موسوم به بیع متقابل، عموماً با نگاه به آینده و با هدف توسعه کمی و کیفی صنعت نفت ایران تدوین شده است. به هر روی، ارزیابی و داوری دقیق و صحیح و بیان محاسن و معایب این الگوی جدید نیاز به زمان بیشتر و انعقاد قرارداد چند پروژه دارد. باید در نظر داشت که بخش عظیمی از موفقیت و یا شکست یک الگوی قراردادی منوط به چگونگی کاربرد و استفاده از آن یا به عبارت کلی تر منوط به اجرای آن است. در این پژوهش سعی شد تا حد ممکن به موارد بالا پرداخته شود.

واژگان کلیدی

قرارداد نفتی، قواعد IPC، وزارت نفت.

۱. مدیر عامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب.

۲. رئیس امور حقوقی و قراردادهای شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب. hkakaei57@gmail.com

مقدمه

یک قرارداد متعارف نفتی، قراردادی است که بین دولت یک کشور و (یا شرکت ملی نفت آن کشور)، از موضع حاکمیت با یک شرکت نفتی (بین‌المللی) با هدف اکتشاف میادین نفتی و به دنبال آن توسعه و بهره برداری از میدان‌های کشف شده و عرضه محصول تولیدی به بازار منعقد می‌گردد.

قراردادهای نفتی را می‌توان بر حسب نحوه تنظیم رابطه حقوقی بین دولت میزبان با سرمایه‌گذار یا پیمانکار خارجی در ارتباط با مواردی همچون: اکتشاف نفت، مالکیت بر مخزن نفتی، نحوه توسعه میدان‌ها و سرمایه‌گذاری و تأمین مالی، رابطه شرکت نفتی طرف قرارداد با تأسیسات نفتی احداثی، رابطه شرکت نفتی طرف قرارداد با نفت و گاز تولیدی، نحوه بازاریابی، فروش و صادرات نفت و گاز تولیدی، نحوه پرداخت‌ها و دریافت‌های متقابل بین دولت میزبان و شرکت نفتی، به انواع مختلفی تقسیم نمود.

با توجه به این موارد سازوکارهای قراردادی در صنعت نفت به سه الگوی عمده امتیازی، مشارکت و خدمت، تقسیم می‌شوند. ایران، به عنوان یکی از غنی‌ترین کشورهای دارنده ذخایر عظیم هیدروکربنی، از سال ۱۳۵۳ و با تصویب قانون نفت، صرفاً در قالب قراردادهای خدمت توأم با ریسک با شرکت‌های نفتی وارد تعاملات قراردادی گردید. نمونه خاص قراردادهای خدمت ایران در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، به قراردادهای بیع متقابل معروف شدند. اکنون با تحول سه نسل از این قراردادهای الگوی جدیدی از قراردادهای نفتی ایران در حال ظهور است.

تغییرات شگرفی که در حوزه‌های مختلف صنعت نفت ایجاد شده و نیز تغییراتی که در رویکردها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور در حوزه نفت و گاز واقع گردیده است، در نهایت در جزء (۳) بند (ت) ماده (۳) قانون حدود وظایف و اختیارات وزارت نفت، مصوب ۱۳۹۱، منعکس گردیده است، به طوری که به صراحت مجوز "طراحی الگوهای جدید قراردادی" را به مجموعه وزارت نفت می‌دهد. در ماده (۷) همین قانون نیز مقرر شده است: "شرایط عمومی قراردادهای نفتی با پیشنهاد وزیر نفت به تصویب هیأت وزیران..." برسد. با اتکا به این مجوزهای قانونی، کمیته بازنگری قراردادهای نفتی با حکم وزیر نفت در ۱۳۹۲/۰۶/۳۰ تشکیل و نسبت به بازنگری قراردادها و ارائه الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران موسوم به (آی پی سی) اقدام نمود. بر این اساس، شرایط عمومی، ساختار و الگوی قرارداد جدید نفتی ایران به تصویب هیأت وزیران رسیده و در تاریخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۱ به وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران ابلاغ گردید.

پس از آن موجی از انتقادات که برخی درست و برخی بلاوجه و نادرست بودند در رابطه با مصوبه یاد شده مطرح گردید که با رویکرد مثبت وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران و استقبال از پیشنهادات اصلاحی، در نهایت تصویب نامه جدیدی در تاریخ ۱۳۹۵/۰۵/۱۶ به شماره ۵۳۳۶۷/ت/۵۷۲۲۵ توسط هیأت وزیران تصویب و جایگزین تصویب‌نامه قبلی بشماره ۱۰۴۰۸۹/ت/۵۲۴۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۱ گردید. پس از آن نیز تصویب‌نامه مختصر دیگری

به شماره ۶۹۹۷۸/ت/۵۳۴۲۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۰ نیز در اصلاح تصویب نامه اخیرالذکر به تصویب هیأت وزیران رسیده و ابلاغ شد.

بنابراین، تصویب نامه های حاکم بر مدل مفهومی الگوی قراردادی جدید در بخش بالادستی عبارتند از:

۱- تصویب نامه شماره: ۱۰۴۰۸۹/ت/۵۲۴۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۱؛

۲- تصویب نامه شماره: ۵۷۲۲۵/ت/۵۳۳۶۷ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۱۶؛

۳- تصویب نامه شماره: ۶۹۹۷۸/ت/۵۳۴۲۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۰؛

به لحاظ شکلی، الگوی قراردادی جدید اگرچه همچنان به خانواده قراردادهای خدمت وفادار مانده است و همچنان می توان آن را از اعضای این خانواده قراردادی محسوب نمود، لیکن بنا بر ملاحظات تفاوت هایی را با اسلاف خود دارد که شایسته تأمل، سنجش و بررسی همه جانبه است. بیشک شناخت هرچه بهتر این الگوی قراردادی از طریق بررسی و تحلیل تخصصی-حقوقی و تبیین اهداف، ساختار و اصول حاکم بر آن، گامی است در جهت رفع کاستی ها و بهبود هر چه بیشتر این الگو در جهت بیشینه سازی منافع ملی.

همچنین باید توجه نمود که براساس آمارها، همچنان صنعت نفت تامین کننده اصلی درآمدهای ارزی کشور است به گونه ای که تا پیش از تشدید تحریم های غرب در سال های اخیر، بیش از ۸۰ درصد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کشور توسط درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز تامین می شد. بنابراین شناخت عمیق قرار داد ها و نحوه اجرای و واگذاری آن می تواند سهم بسزایی در توجه به مسیر توسعه در کشور ایفا نماید. بنابراین حضور شرکت های خارجی می تواند زمینه مناسبی برای اجرای بند ۱۴ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مبنی بر حفظ و توسعه ظرفیت های تولید نفت و گاز، بویژه در میدان مشترک با استفاده از ظرفیت های فنی و مالی این شرکت ها ایجاد نماید و شرط اجرایی شدن این موضوع هم تدوین مدل مناسب قراردادی است. صنعت نفت ایران انواع مختلفی از قراردادهای نفتی از امتیازی تا خرید خدمت را تجربه کرده است. تغییر این نوع قراردادها به شدت متناسب با میزان استقلال سیاسی حکومت ها و همچنین توان فنی کارشناسان صنعت نفت بوده است.

به دلیل اهمیت موارد فوق انجام این پژوهش ضرورت می یابد؛ به دلیل اینکه در صورت عدم بررسی موارد فوق در تعیین سیاست های کلان اقتصادی با مشکلات متعدد روبرو خواهیم شد؛ همچنین بخش نفت به دلیل وصل بودن آن به متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم، بیکاری و همچنین مسکن و شبکه بانکی می تواند اثرات قدرتمندی را به سایر بخش ها منتقل می سازد.

ادبیات نظری تحقیق

- مفهوم اصطلاحی قرارداد

عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. به عبارت ساده تر هرگاه جهت به وجود آمدن یک اثر حقوقی نیاز به رضایت دو طرف باشد، عقد محقق می-گردد.

- انواع تقسیم بندی قراردادهای نفتی

قراردادهای بخش نفت و گاز را می توان به سه گروه قراردادهای امتیازی، قراردادهای مشارکت در تولید و قراردادهای خدماتی، تقسیم بندی کرد:

قراردادهای امتیازی

با مطالعه اوراق تاریخی چنین بر می آید که اولین قراردادهای نفتی در جهان به صورت امتیازی، و نخستین قرارداد امتیاز در خاور میانه در ایران امضا شده است، به لحاظ اینکه قراردادهای امتیاز، خود دارای انواع متعددی هستند. قراردادهای امتیازی از قدیمی ترین و ابتدایی ترین قراردادهای نفتی به شمار می روند. در قراردادهای امتیازی، دولت که مالک مخزن و یا میدانی مشخص است، آن را به شرکتی واگذار می کند و شرکت یادشده سرمایه گذاری در عملیات اکتشاف، توسعه، بهره برداری و بازاریابی محصول آن میدان را بر عهده می گیرد. در این نوع قرارداد، شرکت سرمایه گذار کلیه هزینه های مربوط را می پذیرد و بهره مالکانه و مالیات نیز به مالک مخزن تعلق می گیرد. این نوع قرارداد اگر با موفقیت در اکتشاف نفت و گاز همراه نشود، به طور معمول ۵-۶ سال اعتبار دارد، اما در صورت کشف میدان نفتی و گازی، معادل عمر میدان، حدود ۲۵ تا ۴۰ سال دوام خواهد داشت. این نوع قرارداد به شکل های دیگری مانند اعطای اجازه بهره برداری، اعطای پروانه بهره برداری و اجاره نیز به کار می رود و به دلیل سهم بندی منافع در قیاس با گذشته تغییرات عمده ای کرده است.

- قراردادهای مشارکت در تولید

این نوع قراردادها در طول دهه ۱۹۶۰ میلادی رواج یافت و پس از آن بسیاری از کشورهای نفتی از این نوع قرارداد استفاده کردند. براساس این قرارداد، نفت و گاز تولید شده میان دولت و شرکت سرمایه گذاری تقسیم می شود. حقوق مالکانه متعلق به دولت است، اما به واسطه مشارکت، دولت میزبان به طور معمول از طریق شرکت ملی نفت در زمینه مدیریت عملیات با شرکت سرمایه گذار مرتبط است. در این قرارداد شرکت خارجی مقید به پرداخت مالیات است و در برخی موارد پرداخت بهره مالکانه نیز تصریح شده است. قراردادهای مشارکت در شرایط وجود ریسک و بدون ریسک منعقد می شوند^۱.

^۱ Fales, Haliburton IL. Smith, David N., Frick, Robert H Carroll, J. Specu and Lipton, Charles J (1973). " Mining The Resources of the Third World: From Concession Agreements to Service Contracts", The American Journal of International Law, Vol. 67

قراردادهای مشارکت در تولید هم اکنون نیز زمینه پذیرش فراوانی دارند و به تازگی انواع جدیدی از این قراردادها به عنوان قراردادهای مشارکت و قراردادهای خدمات همراه با ریسک رواج یافته است. شکل دیگری از این نوع قراردادها موسوم به مشارکت در سود است که در آن یک یا چند شرکت سرمایه گذار در هزینه های عملیاتی سهم می شوند و در پایان کار به جای تسهیم تولید، سود حسابداری حاصل از فروش میان شرکت ها تقسیم می شود.^۱

در قراردادهای مشارکت در تولید، پیمانکار حق اکتشاف و تولید منابع هیدروکربن را در منطقه جغرافیایی مشخص مطابق شرایط قرارداد به دست می آورد. در این نوع قراردادها پیمانکار در عوض تخصیص سهمی از نفت و گاز تولیدی میدان به او، تمامی ریسک ها و هزینه های نفتی را بر عهده می گیرد.^۲

– قراردادهای خدماتی

قراردادهای خدماتی از قدیمی ترین شکل های روابط قراردادی شناخته شده میان افراد از یک سو و جوامع از سوی دیگر به شمار می آیند. در این نوع قرارداد تولید در اختیار کشور میزبان قرار خواهد گرفت و شرکت عامل طبق شرایط قرارداد یا از مبلغی مقطوع به عنوان بازپرداخت سرمایه به همراه نرخ بهره و ریسک بهره مند خواهد شد و یا براساس درآمد حاصل از میزان نفت تولید شده پس از کسر مالیات سهم خواهد برد. در قرارداد بیع متقابل، شرکت سرمایه گذار خارجی کلیه وجوه سرمایه گذاری همچون نصب تجهیزات، راه اندازی و انتقال فناوری را بر عهده می گیرد و پس از راه اندازی به کشور میزبان واگذار می کند. بازگشت سرمایه همچنین سود سرمایه شرکت سرمایه گذار از طریق دریافت محصولات تولیدی انجام می شود. علت و طبقه بندی قرارداد بیع متقابل در رده قراردادهای خرید خدمت این است که انجام بازپرداخت اصلی و سود سرمایه گذاری از محل مایعات گازی، نفت خام و فرآورده های نفتی صورت می گیرد.^۳

– اهداف تدوین و اصول حاکم بر قراردادهای IPC

قراردادهای جدید نفتی از مهم ترین مسائلی است که در کشور ما چالش های زیادی را ایجاد نموده و دارای اهداف و اصول مشخصی می باشد که در بررسی این اصول توجه می شود.

با پیش بینی اهداف قراردادهای جدید نفتی و تعیین هدف های بلند مدت و کوتاه مدت این نوع قراردادها می توان به افزایش ظرفیت های نفتی کشور کمک نمود. تدوین قراردادهای جدید نفتی به دستور وزیر نفت از مهرماه ۱۳۹۲ و با تشکیل کمیته ای با عنوان کمیته بازنگری در قراردادهای نفتی آغاز شد و در یک پروسه زمانی ۲ ساله با بهره برداری از تجارب گذشته و مشاوره با کارشناسان داخلی توانست مدل جدید قراردادهای نفتی را موسوم به IPC تدوین کرد.

^۱Blumental, David. Chua, Tju Liang. and Au, Ashleigh, Upstream Oil and Gas in China, Industry Sector Reports, Chapter 3, Available at: www.velaw.com/uploadfiles/VEsite/Resources/20vol3sec Vch3upstreamoilandgas.pdf

^۲ حاتمی، علی، کریمیان، اسماعیل، (۱۳۹۳) حقوق سرمایه گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه گذاری، انتشارات تپسا، چاپ اول

^۳ ایرانپور، فرهاد، (۱۳۸۶)، مبانی عمومی قراردادهای نفتی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۳.

این قراردادها علاوه بر رفع کاستیهای قراردادهای کنونی و گذشته نفتی ایران موسوم به بیع متقابل، عموماً با نگاه به آینده و با هدف توسعه کمی و کیفی صنعت نفت ایران تدوین شده است. به طور خاص اهداف دیگری نیز مد نظر است که می‌توان به حداکثر سازی سلامت مخازن اشاره کرد. خوشبختانه مساله صیانت از مخزن در قانون مورد نظر تعریف شده و تکلیف همه را روشن کرده است. در مدل قراردادی جدید برای حفظ حداکثری سلامت مخازن روشی منطبق با روش های روز بین المللی در نظر گرفته شده تا توسعه میدان‌ها بر اساس رفتار مخزن به صورت مرحله‌ای صورت گرفته و امکان بازنگری طرح‌های توسعه بر این اساس و به صورت یک پیش‌فرض در نظر گرفته شده است. این در حالی است که در هر مرحله هر تصمیم فنی و مخزنی با تایید شرکت ملی نفت ایران قابل اجرا خواهد بود که این نیز به معنای قدرت دادن هم به جایگاه عاملیت و هم جایگاه فنی مهندسی و مدیریتی آن شرکت است و نه تضعیف آن همچنین افزایش ذخایر و ظرفیت‌های تولیدی نفت و گاز، افزایش ضریب بازیافت از مخازن در حال تولید و حداکثر سازی سرعت رشد و توسعه ظرفیت‌های داخلی کشور از دیگر اهداف مدل جدید قراردادهای نفتی است^۱.

- بررسی تحلیلی مزایا و معایب قراردادهای IPC

این قراردادها با تحولاتی که در صنعت نفت ایجاد نموده‌اند بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند و همواره دارای معایب و مزایایی می‌باشند که در ادامه به واکاوی این امور پرداخته شده است.

- مقایسه قراردادهای IPC با بیع متقابل و مغایرت آن با قوانین و اسناد بالادستی

بررسی تفاوت‌های انواع قراردادهای نفتی ویژگی بسیار مهمی که این قرارداد را از کلیه قراردادهای منعقد از امتیازنامه رویت (۱۲۵۱ شمسی مطابق با ۱۸۷۲ میلادی که هیچگاه اجرا نشد) و امتیازنامه دارسی (۱۲۸۰ شمسی مطابق با ۱۹۰۱ میلادی) تاکنون متمایز می‌کند این است که هر شرکت نفتی خارجی که بخواهد در بخش بالادستی نفت سرمایه گذاری کند می‌بایستی شریک ایرانی داشته باشد. به موجب بند ۱-۴ (در هر قرارداد برحسب شرایط، شرکت-های صاحب صلاحیت ایرانی با تایید کارفرما، به عنوان شریک شرکت با شرکت‌های معتبر نفتی خارجی حضور دارند و با حضور در فرآیند اجرای قرارداد، امکان انتقال و توسعه دانش فنی و مهارت‌های مدیریتی و مهندسی مخزن به آنها میسر می‌گردد).

با توجه به مبهم بودن بند ۱-۴، سوالات زیر مطرح می‌شود که در متن مصوبه هیئت وزیران بدون پاسخ مانده است:

الف - به لحاظ حقوقی، منظور از واژه «حضور» در عبارت شرکت ایرانی به عنوان شریک شرکت خارجی در

فرآیند اجرای قرارداد «حضور» دارد، چیست؟

ب - شرایط این مشارکت چیست؟ اگر مشارکت در سرمایه است، آنگاه لوازم و الزامات

• آن چیست؟ آیا مشارکت در مدیریت است؟ آنگاه ساز و کار این مشارکت کدام است؟

ج- این شرکت ایرانی، چه تعهدات و مسئولیت‌هایی در قبال شرکت ملی نفت ایران دارد و بالعکس؟

د- پرداخت‌های مالی به این شرکت ایرانی چگونه و از چه محلی است؟ خوشبختانه با جستجوی بیشتر و استفاده از بیانات برخی دست‌اندرکاران تهیه این قرار داد، این نکته معلوم شد که این قرارداد جدید نفتی، بین شرکت ملی نفت ایران و شرکتی تحت عنوان JOC به معنای (شرکت عملیات مشترک) (Joint Operating Company) منعقد می‌شود. نکته مهم این است که JOC متشکل از یک شرکت نفتی خارجی است که در خارج از ایران به ثبت رسیده به علاوه یک شرکت ایرانی که در ایران به ثبت رسیده و یا یک شرکت دیگر که علی‌الظاهر می‌تواند ایرانی یا خارجی باشد. نکته حائز اهمیت این است که به مجموعه این شرکت‌ها "پیمانکار" گفته می‌شود. بنابراین، در متن مصوب هیئت وزیران، هر جا صحبت از طرف دوم قرارداد می‌شود، منظور مجموعه شرکت‌های خارجی و ایرانی است که به عنوان «یک کل واحد» در نظر گرفته می‌شود و این کل واحد در مقابل شرکت ملی نفت قرار گرفته و قرارداد منعقد می‌شود.^۱

– تفاوت قراردادهای IPC و بیع متقابل

قراردادهای بیع متقابل که به نوعی قراردادی با خرید خدمت محسوب می‌گردد، با توجه به قیمت جهانی پایین نفت و کمبود منابع داخلی شرکت ملی نفت ایران، فرصت مناسبی را برای کشور در توسعه میادین، فراهم کردند. همچنین با توجه به شروع افزایش قیمت نفت پس از انعقاد این قراردادها و در طول اجرای آنها، هزینه‌ی تمام شده‌ی پیمان با توجه به قیمت جهانی نفت در زمان تحقق تولید و اتمام قراردادها، شرایط فوق‌العاده‌ای را برای کشور رقم زد و به لحاظ اقتصادی منفعت حاصل شده برای کشور بسیار بیشتر از شرکت‌های بین‌المللی نفتی حاضر در این قراردادها بود. در عین حال به لحاظ فنی، این قراردادها خالی از مشکل نبودند و مشکلاتی برای کشور در بلند مدت ایجاد نکردند.^۲

– ابهامات فنی، مالی و ساختاری IPC نسبت به بیع متقابل

– ابهام در تحقق تولید صیانتی با وجود بلندمدت بودن قرارداد

محاسبه حجم سرمایه‌گذاری و میزان بازپرداخت در IPC که شامل بازگشت اصل سرمایه و پاداش تولید است، به وضوح موید این موضوع است که بازگشت سرمایه‌های هزینه‌ای و پشتیبانی، به سرعت و طی سه الی چهار سال از شروع تولید اقتصادی از میدان اتفاق می‌افتد و این احتمال می‌رود که پیمانکار در دوره ازدیاد برداشت از میدان انگیزه‌ی چندانی برای سرمایه‌گذاری نداشته باشد. در نتیجه، با اجرای این رویکرد، یکی از اهداف اصلی IPC که همان ازدیاد برداشت از مخازن و تحقق تولید صیانتی است، محقق نخواهد شد.

^۱ کیس، الکساندر، پیتراچ سند و وین فرایند لانگ، ترجمه حبیبی، محمد حسن (۱۳۷۹)، حقوق محیط زیست، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول،

چاپ اول، تهران، بهار، ص ۸۸

- تداوم تمایل پیمانکار برای افزایش هزینه های سرمایه ای

مسئولین کمیته بازرگانی قراردادهای معتقدند که پیمانکار IPC انگیزه ای برای افزایش بی دلیل هزینه ها ندارد. در صورتی که این طور نیست. زیرا از آن جا که IPC، به لحاظ میزان هزینه های سرمایه ای، OPEN CAPEX است و همچنین خود این CAPEX برای پیمانکار دارای حاشیه سود خوبی است، لذا پیمانکار تمام تلاش خود را برای افزایش این هزینه ها به کار می گیرد. همچنین نظر به استفاده از مکانیزم R Factor در IPC، افزایش هزینه ها موجب کاهش R Factor و افزایش Fee می شود. به عبارت دیگر، پیمانکار با افزایش هزینه ها، از پاداش بیشتری بهره مند می گردد.

- جایگاه شرکت ملی نفت ایران در صنعت نفت و گاز با این قرارداد

ساختار IPC به گونه ای است که جایگاه کارفرما نسبت به قراردادهای بیع متقابل تقلیل می یابد و اساسا در IPC، کارفرما به معنای سابق وظایف خطیری ندارد. زیرا پیمانکار تمام دوره ی توسعه و تولید را در اختیار دارد و هر عملکردی نتیجه ی خود را در میزان تولید نشان میدهد و بر سود پیمانکار تاثیر می گذارد. در نتیجه انتظارات از کارفرما در IPC مانند بیع متقابل نیست. از طرف دیگر به نظر می رسد که شرکت ملی نفت ایران به واسطه ی شرکتهای تابعه ی خود، وظیفه ی کارفرمایی را در IPC بر عهده دارد. از این رو می توان شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای با ارزش تابعه ی این شرکت را بزرگترین متضرر IPC دانست. زیرا در این رویداد مهم در صنعت نفت ایران که به نظر می رسد موجب تحول در ساختارهای داخلی آن می شود، شرکت ملی نفت ایران نقش کارفرمایی را بر عهده گرفته است که عایدی چندانی برای این شرکت نخواهد داشت. هر چند شرکتهای بهره بردار تابعه ی شرکت ملی نفت در مقام یک پیمانکار دست دوم و بهره بردار در پروژه حضور دارند، ولی جایگاه این شرکت ها فراتر از یک پیمانکار جزء میباشد. نگاهی به اساسنامه ی مصوب شرکت ملی نفت ایران در کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی موید این قضیه است، که در این اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، یک شرکت نفتی تجاری در نظر گرفته شده است و نه نهادی حاکمیتی. به عبارت دیگر، تنها تفاوت اساسی شرکت ملی نفت ایران با دیگر شرکت های نفتی خصوصی در کشور، در مالکیت صد درصدی سهام این شرکت توسط دولت است. بنابراین نگاه اساسنامه به شرکت ملی نفت ایران و نگاه IPC به این شرکت، با هم تناقضی آشکار دارد. همچنین برنده ی اصلی این قراردادها، شرکتهای خصوصی هستند که در مشارکت با شرکت های نفتی بین المللی راه پیدا می کنند. لازم به ذکر است اعتبار سنجی شرکتهای ایرانی برای ورود به مشارکت ها با وزارت نفت است که نحوه ی این گزینش خود محل ابهام است.

- درآمد شرکت ملی نفت ایران

تا به حال به استناد ماده ۱۲ اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ و قوانین بودجه سالیانه، ۱۴/۵ درصد از درآمد حاصل از فروش نفت و گاز و میعانات تولیدی به شرکت ملی نفت ایران اختصاص پیدا می کرد. از سویی، شرکت ملی نفت

ایران در عملیات توسعه و بهره برداری از میداین تحت قراردادهای IPC نقشی ندارد و این وظیفه بر عهده کنسرسیوم است و تمامی هزینه ها، از جمله هزینه های توسعه و بهره برداری به این کنسرسیوم پرداخت می شود. از سوی دیگر، شرکتهای تابعه ی شرکت ملی نفت ایران به استناد تبصره ماده ۱۱ مصوبه ۹ مهرماه هیات دولت در دوره بهره برداری تحت نظارت کنسرسیوم می توانند به عنوان پیمانکار دست دوم به عملیات بهره برداری بپردازند و کنسرسیوم ملزم به پرداخت هزینه های آن ها از محل درآمدهای خود در پیمان است.^۱

– یکپارچگی اکتشاف با توسعه و تولید میداین نفت و گاز

پروژه های نفتی کارکردی یکپارچه دارند به نحوی که عملیات اکتشاف، توسعه و تولید هر میدان به سبب ویژگیهای فنی، مهندسی و تکنولوژیک این پروژه ها دارای ارتباط مستقیم و موثر بر یکدیگرند به عبارت دیگر پس از اکتشاف یک میدان برنامه توسعه بر اساس اطلاعات حاصله از مرحله اکتشاف و ارزیابی تهیه شده و پروژه وارد فاز توسعه می شود، پس از اجرای عملیات توسعه و ایجاد زیر ساخت های لازم برای تولید، برنامه تولید میدان براساس داده های عملیات توسعه تهیه و اجرا می شوند. بر این اساس قراردادهای نفتی حاوی دو رویکرد در خصوص تصدی گری عملیات نفتی اعم از اکتشاف، توسعه و تولید هستند. اولین رویکرد تصدی گری و اجرای کلیه عملیات نفتی به وسیله پیمانکار است، مطابق این رویکرد، به سبب یکپارچگی پروژه های نفتی و در راستای دستیابی به بالاترین نرخ بهره وری، پیمانکار عملیات اکتشاف، به دلیل احاطه به ویژگیهای زمین شناسی، فنی، مهندسی و تکنولوژیک پروژه، باید عملیات توسعه و تولید را نیز بر عهده بگیرد. رویکرد دوم، ناظر به اپراتوری و تصدی گری مشترک عملیات نفتی است. مطابق این رویکرد که در قراردادهای همکاری و بعضاً در قراردادهای مشارکت در تولید و خدمت رایج است، شرکت ملی نفت دولت میزبان به عنوان شریک غیر متصدی در عملیات نفتی حضور داشته و نقش مستقیم در اجرای این عملیات ایفا می کند. در صورت انتخاب هریک از دو رویکرد فوق و پیش بینی الزامات مورد نیاز برای پیشبرد بهینه پروژه، می توان یکپارچگی عملیات نفتی را حفظ و به بیشترین نرخ بهره وری دست یافت.^۲ در مدل قراردادی IPC، حلقه های اکتشاف با توسعه و تولید یکپارچه دیده شده است که این موضوع به معنای بستن قرارداد توسعه برای مخزنی ناشناخته است. این در حالی است که احتمال دارد این مخزن مکشوفه، پیچیده نباشد و توسعه ی آن بسیار کم ریسک باشد. ایجاد جذابیت برای اکتشاف تا به این اندازه کمی قابل تامل است. با توجه به اینکه کشور دارای مناطق کم ریسکی میباشد که ریسک اکتشاف در آنها بسیار پایی است، فرمول اتصال اکتشاف به توسعه و تولید برای ایجاد جذابیت در اکتشاف منطقی و اقتصادی به نظر نمی رسد. کشور دارای مناطقی میباشد که حفریک حلقه چاه اکتشافی در آنها، موفق به کشف میلیارد بشکه شده است. با توجه به این وضعیت جغرافیایی کشور، باید

^۱ <http://www.tasnimnews.com>

^۲ حاتمی، علی، کریمیان، اسماعیل، (۱۳۹۳) حقوق سرمایه گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه گذاری، انتشارات تیس، چاپ اول. ص

فرمولی دیگر برای اکتشاف، حداقل در مناطق کم ریسک، در نظر گرفت. بنابراین یکپارچگی اکتشاف با توسعه و تولید در مناطق مرزی خشکی و دریا یا در دریای خزر که مشکلات حقوقی مربوط به خود را دارد، توصیه می شود نه کل مناطق کشور.

- تاثیر گذاری قیمت جهانی نفت در تعیین حق الزحمه پیمانکاران

مسئولین کمیته بازننگری قراردادها فرمولی ارائه کرده اند که به موجب آن در صورت افزایش یا کاهش قیمت جهانی نفت به میزان ۵۰ درصد، پاداش تولید یا Fee تجدید نظر می شود. در این صورت IPC نسبت به قیمت جهانی نفت منعطف می باشد و این انعطاف، واری ساز و کار پیش بینی شده در R Factor است. هر چه تاثیر پذیری هزینه های پیمان از قیمت جهانی نفت بیشتر شود، IPC از یک قرارداد خدماتی دورتر میشود و به قرارداد مشارکت در تولید نزدیک تر می شود.

- سهم شرکتهای ایرانی در کنسرسیوم

یکی از نوآوری های IPC، ایجاد شرکت عملیاتی مشترک برای توسعه و بهره برداری از میداين است. به این صورت که شرکت بین المللی نفتی برای سرمایه گذاری در هر یک از میداين ایران، موظف است یک شریک ایرانی داشته باشد. در IPC، حداکثر سهم شرکتهای خارجی در کنسرسیوم به روشنی بیان نشده است. بنابراین بهتر بود حداقل سهمی برای شراکت در کنسرسیوم برای شرکتهای ایرانی در نظر گرفته می شد.

- نحوه تعیین مبنای افزایش تولید نفت و گاز IPC

نحوه تعیین مبنای افزایش تولید نفت و گاز (IPC) می تواند برای میداينی مورد استفاده قرار گیرد که در حال تولید هستند و کشور قصد افزایش تولید در آن ها دارد. ابهامی که در این مورد مطرح است، مبنای افزایش تولید مورد انتظار از پیمانکار می باشد. به لحاظ فنی، مخزن در حال تولید به صورت سالیانه متحمل افت چند درصدی در تولید میشود. نظر به اینکه شرکت ملی نفت تاکنون در نگه داشت تولید خود کفا بوده و توانسته در میداين اصلی تولیدی کشور، این مهم را محقق کند، در نظر گرفتن نگه داشت تولید برای تعلق گرفتن پاداش به پیمانکار، به نظر منطقی و اقتصادی نبوده و ایجاد جذابیتی مافوق تصور برای پیمانکار است. ضمن اینکه پیمانکار تنها به واسطه ی نگه داشت تولید از پاداشی بالا بهره مند می شود که مبنای اقتصادی و فنی ندارد.

- معافیت مالیاتی پیمانکاران

در IPC مکانیزم در نظر گرفته شده برای مالیات همانند قراردادهای بیع متقابل است و در نتیجه می توان گفت در IPC نیز همانند بیع متقابل، پیمانکار معاف از مالیات است. یادآوری می گردد میزان مالیات در قراردادهای بالادستی نفت و گاز به شدت درآمدهای پیمانکار را تحت تاثیر قرار میدهد و در آمدی بالایی را نصیب کشور می کند. اما

متأسفانه ایران تمایلی به کسب درآمد از محل مالیات در قراردادهای بالادستی نفت و گاز نداشته است که عجیب به نظر می‌رسد.

- عدم تعیین ساز و کار جریمه پیمانکار

یکی از موارد مهم در قراردادهای نفتی در نظر گرفتن جریمه برای پیمانکار در صورت عدم تحقق وظایف محوله در قرارداد می‌باشد. جریمه ای برای پیمانکار در IPC برای ایجاد بازدارندگی در اجرای نامطلوب پروژه، در نظر گرفته نشده است.

- ابهامات فقهی و حقوقی قراردادهای IPC

در این بخش به بررسی قاعده فقهی نفی سبیل، منافات قرارداد IPC با اصل ۱۳۹ ق.ا و معین نبودن ثمن در قراردادهای نفتی پرداخته می‌شود.

- بررسی چگونگی توجه به قاعده نفی سبیل در این نوع قرارداد

باید گفت قراردادهای IPC قاعده فقهی نفی سبیل و نفی تسلط بیگانگان بر انفال را زیر پا گذاشته است که بطور صریح این موضوع در اصول ۴۳، ۸۱ و ۱۵۳ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. در تبصره بند (الف) ماده ۱۱ کلیات قراردادهای جدید صنعت نفت، مصوبه هیئت وزیران به صراحت آمده است: در مورد میدان‌ها یا مخزنهای در حال تولید و بهره برداری، در صورتی که طرف اول برای مرحله بهره برداری، انجام عملیات بهره برداری را با مشارکت یکی از شرکتهای تابعه خود ضروری دانسته و این موضوع به تأیید وزارت نفت نیز برسد، بین طرف دوم قرارداد و شرکت تابعه شرکت ملی نفت ایران، یک موافقتنامه عملیاتی مشترک امضا می‌شود.

این عملیات با حفظ مسئولیت پشتیبانی و نظارت کامل فنی، مالی، حقوقی و تخصصی طرف دوم قرارداد همراه با تأمین تجهیزات، قطعات و مواد مصرفی لازم توسط وی به صورت مشترک انجام می‌شود. شرکت تابعه ذیربط موظف است در بهره برداری از تأسیسات موضوع قرارداد، کلیه دستورالعملهای فنی حرفه ای و برنامه های عملیاتی طرف دوم قرارداد را رعایت و اجرا کند. در غیر این صورت، عدم اجرای عملی اقدامات یادشده، نقض تعهدات قراردادی توسط طرف اول قرارداد محسوب می‌شود!

کارشناسان و تحلیلگران انرژی و همچنین متخصصان صنعت نفت معتقدند هرگز کمپانی های بین المللی دست به چنین ریسک مالی نخواهند زد بلکه مانند عراق با ورود سرمایه اندکی به کشور و با توجه به زودبازده بودن بازگشت کل سرمایه و سود حاصله، در کوتاه مدت ۳ یا ۴ ساله نسبت به گردش مجدد آن اقدام خواهند کرد به گونه ای که جمع این گردشها در طول ۲۵ تا ۳۳ سال و تمدید این مدت رقمی کلان خواهد شد.

^۱ منتظر، مهدی، ابراهیمی، سید نصرالله، (۱۳۹۲)، «جایگاه قراردادهای بیع متقابل در پروژه های بالادستی نفت و گاز ایران و مقایسه آن با قراردادهای

مشارکت در تولید» مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۹، پاییز - زمستان، ص ۶۹

این قراردادها به گونه ای طراحی شده که شرکتهای خارجی با سرمایه ۵۰۰ میلیون دلاری نیز با تعهد سرمایه گذاری کلان به راحتی قادر به حضور در آن خواهند بود چون به محض تولید در میدان می توانند با پولهایی دریافتی از وزارت نفت و با پول اندک خود گردش کلان ایجاد کنند. به همین دلیل نیاز به سرمایه گذاری در پروژه های نفت و گاز از آنجا که نه در پیش نویس و نه در متن لاتین قرارداد، ساز و کاری جهت تعیین اولویت واگذاری پروژه های نفت و گاز در این قالب ذکر نشده است مغایر روح حاکم بر بند ۳ از قسمت (ت) ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت در خصوص امور سرمایه گذاری و تأمین منابع مالی است.^۱

- بررسی قرارداد منافات موسوم به IPC با اصل ۱۳۹ ق:۱-

اصل ۱۳۹ و اصل ۷۷ قانون اساسی، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی را در صورتی که مورد دعوی خارجی باشد، موکول به تصویب مجلس دانسته و عهدنامه ها و مقاوله نامه، قراردادها نیز باید به تصویب مجلس برسد، آنچه که برای کمیسیون سئوالات باید روشن گردد این است که آیا در موارد جزئی که تصرف در قراردادها می شود و بعضی از مواد آن را از نظر مقدار پول و یا زمان تحویل تغییر می دهند، در هر مورد عمل دولت یا هر مقام مسئولی به استناد تصویب مجلس شورای اسلامی انجام می شود. فقط در محدوده مصوبه قانونیت دارد و خارج از آن محدوده جزئا و کلا به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز دارد. یادداشت تفاهم چنانچه ایجاد تعهد نماید مثل قرارداد است و بایستی ضوابط مذکور در قانون اساسی نسبت به آن رعایت شود. قراردادهای جزئی در رابطه با اصل قراردادهای موضوع اصل ۷۷ قانون اساسی در صورتی که خارج از محدوده قرارداد اصل باشد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

پاسخ شورای نگهبان در این مورد چنین است که «اصل ۷۷ قانون اساسی با توجه به اصل ۱۲۵ ق.ا از قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه ها و سایر سازمانهای دولتی ایران و شرکتهای خارجی دولتی که دارای شخصیت حقوقی باشند منعقد می گردد منصرف است و موارد خاص این گونه قراردادها در صورتی که ضوابط کلی آن به موجب قانون عادی تعیین شده باشد نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد...»

- معین نبودن ثمن در قراردادهای نفتی در نظام حقوقی ایران

افراد انسان برای رفع نیازهای مادی و معنوی خود در دوران های گذشته، عقود را با لحاظ آثار اجتماعی و اعتباری آن به تناسب نوع روابطی که در نظر داشتند، به کار می بردند. این عقود را عقود معین یا عقود با نام مینامند، مانند بیع واجاره. این عقود از آن جهت عقد معین نامیده شده است که در قانون مدنی ایران و سایر سیستم های حقوقی دارای نام مشخص بوده و قانون برای هر یک از آنها شرایط و احکام و آثار خاصی مقرر کرده است؛ مثلا، بیع در

^۱ درخشان، مسعود، (۱۳۹۳)، «قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت رویکرد اقتصاد مقاومتی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۵

عقد بیع باید عین باشد و اثر بیع انتقال مالکیت، معین بودن مبیع به خریدار و یا تعهد بایع به تسلیم فردی از عین کلی به اوست. امروزه برخی از عقود که مورد نیاز عصر حاضر بوده است، با وضع مقررات خاصی نام و احکام و شرایط و آثار مخصوص به خود پیدا کرده و در ردیف عقود معین قرار گرفته است، مانند عقد بیمه.

در زمان های اخیر، تنوع و گستردگی روابط مالی و اجتماعی و نیازهای روز افزون حقوقی سبب گردید که در قوانین مدنی سیستم های حقوقی عقد دیگری وارد گردد که دارای شکل و آثار و شرایط خاص باشد که مطابق میل و اراده مشترک طرفهای عقد تعیین می شود و قانون در مورد این عقود، فقط به بیان شرایط اساسی و نیز مهمترین اثر آن، که لزوم رعایت مفاد آن است، بسنده کرده است. این عقود از حیث شکل و الگو و شرایط و آثار نامحدود و وابسته به نیاز و اراده اشخاصی است که آن را منعقد می کنند. به این عقود، عقود غیر معین یا بی نام گفته شده است. ماده ۱۰ قانون مدنی ایران که مقرر می دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است»، ناظر به این دسته از عقود می باشد.^۱

در نظام حقوقی ایران و در فقه شیعه یکی از شرایط صحت عقد بیع معلوم بودن ثمن به طور تفصیلی و کامل در هنگام انعقاد عقد است و وجود ابهام در ثمن مجاز دانسته نشده است لیکن در حقوق روز دنیا خصوصاً در حقوق تجارت بین الملل، عقد با ثمن شناور از معاملات بسیار شایع و از قالبهای عقدی ضروری است و حتی در عرف داخلی نیز این نوع قراردادها بنا به مصالحی به رسمیت شناخته شده که این مصالح اقتصادی اقتضاء می کند که نظام حقوقی ایران نیز، بیع با ثمن شناور را به رسمیت بشناسد چرا که متعارف بودن و شیوع عقد با ثمن شناور در حقوق روز دنیا و حقوق تجارت بین الملل و حتی در حقوق داخلی، (مثل قراردادهای پیش فروش ساختمان، قراردادهای نفتی و بیع با قیمت کارشناسی و...) یک حقیقت غیر قابل انکار در جامعه است، که شیوع فزاینده ی این نوع معاملات از یک سوی و اجمال قوانین و مقررات و ناآشنایی رویه قضایی کشورها از سوی دیگر، اهمیت بررسی اعتبار و نیز آثار این نوع از قرارداد را بیشتر توجیه می نماید.

– ایرادات کلی وارد بر قراردادهای جدید نفتی

نفت در ایران، فراز و فرود فراوانی را طی کرده و با آنکه تنها صد سال از کشف آن می گذرد، بخش مهمی از مبارزات مردمی ما را حول خود رقم زده است. مهمترین قله این مبارزات، جریان ملی شدن صنعت نفت است که کوتاه زمانی پس از آن، دولت مصدق با کودتای انگلیس و آمریکا، توان آن را پس داد و پس از آن نفت، باز هم به یغما رفت!

اکنون و حدود ۶۵ سال پس از ملی شدن نفت، قراردادی در دست است که به گفته برخی کارشناسان، ما را به روزگار قبل از ملی شدن نفت میبرد! روزگار سلطه و استیلای انگلیس این قرارداد، حقیقتاً معیار خوبی برای وطن

^۱ شهیدی، دکتر مهدی، (۱۳۹۴)، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد ۱، انتشارات مجد، ص ۷۹-۸۰

دوستی و پابندی به ایران و سرمایه ملی است. این حداقل انتظار ما از نمایندگان است، چرا که آنها سوگند به پاسداری از قانون اساسی و خون شهیدان خورده اند و نمی توان از ایشان، تصویب چنین قراردادی را پذیرفت.^۱

ادعای عدم ضرورت طرح و تصویب این قرارداد حیاتی در مجلس در حالی مطرح می شود که مجلس، امور بسیار کم ارزش تری را مورد بحث و تصویب قرار میدهد. وقتی لایحه همکاری فرهنگی و مبادله کتاب ایران با یک کشور کوچک مثل جیوتی باید در مجلس تصویب شود، چرا سرنوشت مهمترین سرمایه ملی باید دور از چشم نمایندگان و مردم، پشت درهای بسته تعیین گردد؟

آن هم قراردادی که به اذعان دوست و دشمن، حاوی ایراداتی اساسی و غیرقابل انکار است. وقتی دولت، رسماً اعلام می کند ۱۵۰ ایراد قرارداد نفتی را برطرف کرده معنی آن چیست؟ یعنی آنها سندی را تصویب کرده بودند که خودشان، ۱۵۰ ایراد در آن پیدا کرده اند این فاجعه نیست!

نویسندگان این قرارداد، همان کسانی هستند که قرارداد کنونی را نوشته و دو دهه نفت کشور را با آن فروختند، حالا همان ها از نسخه پیشین خود عدول کرده و ساز دیگری می زنند؟

ایرادات وارده به این قرارداد در گزارش های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و عبارتند از:

طول مدت این قرارداد ۲۰ سال است که تا ۲۵ سال قابل افزایش بوده و در موارد در اکتشافی نیز تا هفت سال به این مدت افزوده خواهد شد (یعنی در مجموع ۳۲ سال). لذا بکارگیری این قرارداد در حجم وسیع با سقف یک میلیون بشکه در روز معادل تمام طرح توسعه برنامه محقق نشده در برنامه پنجم و نیز برنامه ششم توسعه، به معنای واگذاری بخش عظیمی از اختیارات حاکمیتی وزارت نفت به شرکت های نفتی خارجی است. این در حالی است که در حال حاضر هیچ یک از کشورهای صاحب نفت دنیا دیگر اقدام به عقد قراردادهایی با چنین دوره زمانی نمی کنند.

ماده ۴ به موضوع انتقال تکنولوژی پرداخته است و این موضوع در غالب قراردادهای جدید نفتی کشور با ادبیات و روشهای مختلف درج گردیده است، ولیکن نکته ضعف اصلی که در این مدل نیز ملاحظه می گردد، نبود تضمین و الزام حقوقی و اقتصادی در - تحقق این بند است. لذا می بایست ساختار مستقلی برای نظارت بر تحقق این بخش تهیه، و جریمه و تشویق لازم برای پیمانکار توسط آن نهاد اعمال گردد.^۲

همچنین یکی از نکات ابهام در عملکرد شرکتهای خصوصی ایرانی، عدم اشتراک این شرکت ها در ریسک قراردادی با طرف خارجی بوده است. این در حالی است که در صورت عدم تعریف صحیح ریسک و تقسیم آن میان طرفین، شرکت ایرانی نقش - فنی خود را از دست خواهند داد و در فرآیند اصلی توان تصمیم گیری و دخالت

^۱ درخشان، مسعود و تکلیف، عاطفه، (۱۳۹۴)، «انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران: ملاحظات در مفاهیم، الزامات، چالشها و راهکارها»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، شماره ۱۴، ص ۸۱

^۲ درخشان، مسعود (۱۳۹۲)، «ویژگیهای مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره ۹، ص ۸۸

نخواهد را داشت. از طرفی بدون قبول بخشی از ریسک قرارداد، انگیزه ای برای ایجاد زمینه دریافت فناوری توسط شرکت ایرانی وجود نخواهد داشت.

طبق ماده ۴ بند (ت)، در شرکت بهره برداری موضوع بند (الف) ماده ۱۱، سمتهای مدیریتی، حسب مورد و شرایط مورد توافق که در قرارداد خواهد آمد، چرخشی می باشد. در سازمان مدیریتی این شرکت، سمتهای مدیریت اجرایی به تدریج به اتباع ایرانی واگذار می شود تا امکان انتقال دانش فنی و مهارتهای مدیریتی به طرف ایرانی به خوبی میسر گردد.

حال شرکت بهره برداری موضوع بند (الف) ماده ۱۱ تعریف مشخصی ندارند. شرکتهای موضوع بند (الف) ماده ۱۱ شرکت های ایرانی صاحب صلاحیت می باشند. حال آیا قرار است سمت های مدیریت اجرایی این شرکت ها به اتباع بیگانه واگذار شده و مجدداً به تدریج به اتباع ایرانی واگذار شود؟ تغییر طرف ایرانی به اتباع ایرانی نیز ممکن است محل اختلاف واقع شود. چه اینکه طرف خارجی می تواند یکی از کارمندان خود را که اتفاقاً از اتباع ایرانی است در سمت مدیریتی بنشانند!

در متن مصوبه به هیچ عنوان تصریح وجود ندارد که در صورت بروز اختلاف و عدم توافق میان طرفین، موضوع به چه نحو جمع بندی می گردد؟ ماده ۸ در این باره سکوت اختیار کرده است.^۱

بحث و نتیجه گیری

با توجه به تغییرات گسترده ایجاد شده در خلال سالهای گذشته در حوزه های مختلف اکتشاف، توسعه، تولید، عرضه و تقاضای نفت و گاز در بازارهای بین المللی انرژی، ضرورت بازنگری در نوع قراردادهای نفتی مورد تاکید عموم صاحب نظران عرصه نفت و گاز بوده است. این قراردادها خود نیز از تحول و تطور بر کنار نبودند. معرفی سه نسل از این قراردادها بیانگر تلاش صنعت نفت برای حداکثر سازی منافع ملی از طریق به کارگیری ساز و کارهای قراردادی مناسب تر بود. از مذاقه در اصول و ساختار این الگوی قراردادی می توان نتیجه گرفت صنعت نفت ایران همچنان علاقمند به حفظ چارچوب های قراردادی خانواده قراردادهای خدمت در بخش بالادستی است، زیرا قراردادهای بیع متقابل و الگوی جدید قرارداد نفتی ایران هر دو از نوع قراردادهای خدمت توأم با ریسک بشمار می روند.

با این حال تغییرات در رابطه با رویکرد صنعت نفت به روابط قراردادی با پیمانکاران و سرمایه گذاران بین المللی با نظر به جذابیت بیشتر این قراردادها برای آن پیمانکار یا سرمایه گذاران از یک طرف، و حفظ حاکمیت و منافع ملی از طرف دیگر، محسوس است. ولی در خصوص بحث صیانتی مغایرتی بین قاعده نفی سیل (اصل ۸۱ ق.ا) با قراردادهای جدید (IPC) با وجود بعضی ابهامات در این قرارداد احساس نمی شود. برقراری روابط قراردادی

^۱ طاهری فرد، علی، سلیمی فر، مصطفی، (۱۳۹۲)، بررسی توزیع ریسک در نسلهای اول، دوم و سوم قراردادهای بیع متقابل توسعه، فصلنامه اقتصاد

طولانی، حضور پیمانکار در مرحله تولید و بهره برداری، تاکید بر انجام عملیات بهبود و افزایش ضریب باز یافت در طول دوره بهره برداری، انجام توسعه مستمر و پلکانی، ارتباط دهی دستمزد به میزان کار انجام شده، از مهم ترین این تغییرات و تحولات است. به هر روی، ارزیابی و داوری دقیق و صحیح و بیان محاسن و معایب این الگوی جدید نیاز به زمان بیشتر و انعقاد قرارداد چند پروژه دارد. باید در نظر داشت که بخش عظیمی از موفقیت و یا شکست یک الگوی قراردادی منوط به چگونگی کاربرد و استفاده از آن یا به عبارت کلی تر منوط به اجرای آن است.

با وجود اینکه IPC ایرادات بیع متقابل را بهبود می بخشد ولی خود دارای ابهامات اساسی است. با این وجود، به نظر می رسد مهمتر از خود قرارداد IPC، پروژه های هدف این قراردادها هستند که باید توسط وزارت نفت تعیین شود. باید توجه شود که شرایط کشور در میداین مشترک نفتی و گازی به خصوص با توجه به محدودیت های ایجاد شده در سالهای اخیر وضعیت مناسبی ندارد و همزمان رقبای کشور، پیشرفت های قابل توجهی در توسعه و برداشت از این مخازن داشته اند. گفتنی است که جذابیت های بیشتری برای میداین مشترک در مدل IPC در نظر گرفته شده است تا این شرکت ها انگیزه بیشتری برای سرمایه گذاری در این میداین داشته باشند ولی ریسک سیاسی و عملیاتی و همچنین فشار کشورهای شریک ایران در این میداین نظیر عربستان سعودی، قطر، امارات و عراق از جذابیت های این میداین مشترک برای شرکت های بین المللی نفتی می کاهد. در نتیجه، پیش بینی می شود معرفی میداین مستقل در کنار میداین مشترک به شرکتهای بین المللی نفتی، میداین مشترک را از اولویت فعالیت این شرکت ها در ایران خارج کند. امری که یک بار در گذشته و در قالب قراردادهای بیع متقابل تجربه شد و کشور نتوانست در بستر این قراردادها، شرکت های بین المللی نفتی را به میداین مشترک نفتی هدایت کند. بنابراین از آنجا که اولویت اصلی کشور، توسعه میداین مشترک است، ضرورت دارد میداین مستقل برای سرمایه گذاری در بستر IPC از دستور کار وزارت نفت خارج شود.

در نهایت می توان گفت که IPC مدل جدیدی از قراردادهای نفتی است که میتواند منافع رانصیب کشور کند، در صورتی که به نکات زیر به دقت توجه شود:

الف - پروژه های هدف این قراردادها و علت انتخاب آنها مشخص شود.

ب - نظام حقوقی، فنی و مالی مورد نظر برای هر پروژه ارزیابی شود و برای تدوین آن، کار کارشناسی دقیقی صورت گیرد.

ج - صرفا تدوین یک قرارداد خوب منجر به عایدی برای کشور نمی شود و کیفیت اجرای آن خود موضوع مستقلی است که از الزامات آن هوشیاری طرف ایرانی در زمان اجرا و اولویت منافع ملی بر منافع شخصی و مدت کوتاه افراد، احزاب و گروهها در طول پروژه است.

د- به قرارداد IPC باید با هدف جبران کمبودهای موجود و رفع موانع فعلی نگاه شود و نه به عنوان مدلی برای امضای قرارداد با شرکتهای خارجی و افتخار به آن تا زمانیکه تحریم های ناعادلانه برداشته و مسیر سرمایه گذاری و حضور شرکتهای بزرگ در گستره جغرافیایی کشور در کنار پیمانکاران محقق گردد.

منابع

- حاتمی، علی، کریمیان، اسماعیل، (۱۳۹۳) حقوق سرمایه گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه گذاری، انتشارات تیسرا، چاپ اول
- شهیدی، مهدی، (۱۳۹۴)، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱، انتشارات مجد.
- صادقی بنیس، محمدرضا و منجینی، غزاله (۱۳۹۰)، قوانین و مقررات HSE، انتشارات فن آوران، تهران
- کیس، الکساندر، پیتراچ سند و وین فرایند لانگ، ترجمه حبیبی، محمد حسن (۱۳۷۹)، حقوق محیط زیست، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ اول، تهران، بهار.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ یازدهم، پاییز.
- ایرانپور، فرهاد، (۱۳۸۶)، مبانی عمومی قراردادهای نفتی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۳.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۲)، «ویژگیهای مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی - تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره ۹.
- درخشان، مسعود و تکلیف، عاطفه، (۱۳۹۴)، «انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران: ملاحظات در مفاهیم، الزامات، چالشها و راهکارها»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، شماره ۱۴.
- درخشان، مسعود، (۱۳۹۳)، «قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت رویکرد اقتصاد مقاومتی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۲.
- شیروی، عبدالحسین و ابراهیمی، نصرالله، (۱۳۸۸)، اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری
- طاهری فرد، علی، سلیمی فر، مصطفی، (۱۳۹۲)، بررسی توزیع ریسک در نسلهای اول، دوم و سوم قراردادهای بیع متقابل توسعه، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال دوم، شماره ۹.
- منتظر، مهدی، ابراهیمی، سید نصرالله، (۱۳۹۲)، «جایگاه قراردادهای بیع متقابل در پروژه های بالادستی نفت و گاز ایران و مقایسه آن با قراردادهای مشارکت در تولید» مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۹، پاییز - زمستان

موحد، محمد علی، (۱۳۷۶)، قراردادهای نفتی پس از درنگی ۲۰ ساله، مجله اقتصاد انرژی

نیکبخت، حمیدرضا سید حسن موسوی، (۱۳۹۴)، اصول و ساختار الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران، فصلنامه

تحقیقات حقوقی شماره ۷۲

Blinn, K.; c. Duval; H. Le Leuch and A. Pertuzio. (1986). Internatinal Petroleum Exploration &Exploitation Agreements: Legal, Economic and Policy Aspects, Euromney Publications.

Blumental, David. Chua, Tju Liang. and Au, Ashleigh, Upstream Oil and Gas in China, Industry Sector Reports, Chapter 3, Available at:

www.velaw.com/uploadfiles/VEsite/Resources/20vol3sec Vch3upstreamoilandgas.pdf

Fales, Haliburton IL. Smith, David N.. Frick, Robert H Carroll, J. Specu and Lipton, Charles J (1973). " Mining The Resources of the Third World: From Concession Agreements to Service Contracts", The American Journal of International Law, Vol. 67.